



بخش آموزش رسانه تفریحی سنتر

کلیک کنید  www.tafrihicenter.ir/edu

 نمونه سوال  گام به گام

 امتحان نهایی  جزوه

 دانلود آزمون های آزمایشی

معنی لغت‌های مهم درس

احوال:	سرگذشت	ادا کردن:	بیان نمود
اعتدال:	میانه روی	تسلی:	آرامش دادن
تکبیر:	الله اکبر گفتن	چست:	چابک
دروغ آزمای:	دروغ گو	دویم:	دوم
سیم:	سوم	محنت:	رنج، غم
شدت:	در اینجا سختی	مستمع:	شنونده
راغب:	علاقه مند	زوال:	نابودی
ملول:	آرامش	سبک:	خوار، پست
سلاطین:	پادشاهان	نظم:	شعر

معنی متن

بدان که قصه خواندن و شنیدن فایده‌ی بسیار دارد:

آگاه باش که داستان(قصه) خواندن و شنیدن فایده‌های بسیاری دارد.

اول آن که از احوال گذشتگان خبردار شود.

فایده‌ی اول این است که از تاریخ و سرگذشت پیشینیان آگاه می‌شود .

دویم آن که چون عجایب بشنود، نظر او به قدرت الهی گشاده گردد.

فایده‌ی دوم این است که وقتی انسان درباره شگفتی‌های جهان می‌خواند شناخت او نسبت به قدرت خداوند بیشتر می‌شود.

سیم چون محنت و شدت گذشتگان شنود، داند که هیچ کس از بند محنت آزاد نبوده است، او را تسلی باشد .

فایده‌ی سوم این است که وقتی داستان رنج و سختی‌هایی که گذشته گان کشیده اند را می‌فهمد به این نکته پی می‌برد که هیچ کس بدون رنج و درد نبوده و این سختی‌ها فقط برای او نیست در نتیجه موجب کم شدن غم و اندوه او می‌شود.

چهارم، چون زوال ملک و مال سلاطین گذشته شنود، دل از مال دنیا بردارد و داند که با کس وفا نکرده و نخواهد کرد.

فایده‌ی چهارم این است که وقتی اخبار نابودی و تباهی سرزمین و اموال پادشاهان گذشته را می‌شنود دیگر به مال دنیا دل نمی‌بندد چون می‌داند که دنیا و مال دنیا به هیچ کس وفادار نمانده و نخواهد ماند.

پنجم عبرت بسیار و تجربه‌ی بی شمار او را حاصل شود.

فایده‌ی پنجم این است که پند فراوانی می‌گیرد و تجربه زیادی به دست می‌آورد.

و خدای تعالی با حضرت رسول (ص) می‌گوید «ای محمد، ما از قصه‌های رسولان و خبرهای پیغمبران، بر تو می‌خوانیم، آن چه بدان دل را ثابت گردانیم و فایده‌های کلی تو را حاصل گردد.»

خداوند بلند مرتبه به پیامبر(ص) می‌گوید «ای محمد ما داستان‌های پیامبران(قبل از تو) و اخبار پیغمبران را برای تو می‌خوانیم(روایت می‌کنیم) و از آنها سودهای بی‌اندازه به تو می‌رسد.

پس معلوم شد که در قصه‌های گذشتگان فایده ای هست و خواننده و گوینده و شنونده را از آن فایده رسد، اگر پرسند که

قصه خوانی چند نوع است؟ بگوی دو نوع: اول حکایت گویی و دوم نظم خوانی.

پس مشخص شد که دانستن داستان‌های گذشتگان فایده‌هایی دارد که هم برای خواننده و هم گوینده و هم شنونده مفید است. اگر از تو پرسیدند که قصه گویی چند نوع است؟ بگو دو نوع: اول داستان‌هایی که به صورت حکایت است دوم داستان‌هایی که در قالب شعر است.

اگر پرسند که آداب حکایت گویان چند است؟

اگر از تو پرسیدند که قصه گویان چه گونه حکایتی را بیان می‌کنند؟

بگوی: اول آن که قصه‌ای که ادا خواهد کرد، بر استاد خوانده باشد و با خود تکرار کرده باشد تا فرو نماند، دوم آن که چست و چالاک به سخن درآید و خام نباشد.

بگو اول این که فرد قصه‌ای را که می‌خواهد باز گو کند برای یک استاد بخواند و همچنین با خود تمرین کرده باشد تا در هنگام قصه گویی چیزی را از یاد نبرد. دوم این که در فن سخن گفتن چابک و زرنک باشد و بی تجربه نباشد.

سیم باید که داند جماعت، لایق چه نوع سخن است، بیش تر از آن گوید که مردم راغب آن باشند، چهارم، نثر را وقت به وقت به نظم آراسته گرداند که بزرگان گفته اند: نظم در قصه خوانی چون نمک است در دیگ: اگر کم باشد طعام بی مزه بود و اگر بسیار گردد شور شود. پس اعتدال نگاه باید داشت.

سوم این که باید بداند چه سخنی برای شنوندگان مناسب است و بیشتر در مورد مطالبی حرف بزند که مردن می‌پسندند، چهارم این که باید در زمان‌های مناسب در بین قصه ساده خود از شعر نیز استفاده کند زیرا بزرگان گفته اند شعر در میان قصه خواندن مانند نمک زدن به غذا است اگر کم بزنی غذا بی مزه می‌شود و اگر زیاد بزنی غذا شور می‌شود پس باید میانه روی کرد.

پنجم سخنان محال و گزاف نگویند که در چشم مردم، سبک شود.

پنجم این که سخنان غیر ممکن و بیهوده نگویند زیرا در چشم مردم، ارزش و شان خود را از دست می‌دهد. اگر پرسند آداب نظم خوانی چند است؟

اگر بپرسند که آداب شعر خوانی چگونه است؟

بگوی: اول آن که به آهنگ خواند.

بگو اول این که آهنگ و وزن شعر را درست رعایت کند.

دویم سخن را در دل مردم بنشاند.

دوم این که شعر را طوری بخواند که در مردم تاثیر گذار باشد.

سیم، اگر بیتی مشکل پیش آمد شرح آن با حاضران بگویند.

سوم این که اگر در میان شعر بیتی بود که فهم آن برای دیگران مشکل بود آن بیت را توضیح بدهد.

چهارم، چنان نکند که مستمع ملول گردد.

چهارم این که به شکلی سخن نگویند که شنونده خسته شود.

پنجم صاحب آن نظم را در اول و یا در آخر یاد کند و فاتحه و تکبیر بگوید.

پنجم در اول یا آخر شعر از نام شاعر آن شعر یاد کند و برای او فاتحه ای بخواند.

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX خود ارزیابی XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

سوال ۱: سه مورد از فایده های قصه خواند را بیان کنید. **آگاهی از سرگذشت پیشینیان، بیشتر شدن معرفت انسان**

نسبت به قدرت الهی، به دست آوردن تجربه های فراوان

سوال ۲: چرا باید در آغاز یا پایان نوشته از شاعر یا نویسنده ی آن یاد کرد؟ **برای احترام گذاشتن به شاعر و یا نویسنده و**

آگاه شدن مردم از نام شاعر.

سوال ۳: اگر بخواهید قصه ای برای خواندن انتخاب کنید، چه ویژگی هایی را برای آن در نظر می گیرید؟ **عبرت انگیزی،**

کشش و جذابیت و گیرایی، منطقی بودن روند داستان، گزیده گویی، نثر ساده و قصه گونه

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX کارگاه درس پژوهی XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

سوال ۱: با توجه به آداب نظم (شعر) خوانی، درس میوه ی هنر را در گروه خود بررسی کنید. **یک کتاب خوب باید داری**

ویژگی های زیر باشد: باید بدانیم که آداب نظم خوانی عبارتند از: خواندن آهنگین ابیات، نشان دادن سخن در دل

مردم، شرح مفهوم و معانی ابیات مشکل، خسته نکردن شنونده ها، یاد کردن صاحب شعر در ابتدا یا انتهای شعر

خوانی، فرستادن فاته و تکبیر برای شاعر.

سوال ۲: درباره ی «ویژگی های یک کتاب خوب» در گروه بحث کنید.

الف) عنوان کتاب: مهم ترین ویژگی یک کتاب خوب داشتن عنوان زیبا است.

ب) جذابیت: دارای متنی جذاب و گیرا باشد و چنان کششی داشته باشد که خواننده دوست نداشته باشد آن را

کنار بگذارد.

ج) تصویر سازی: زمانی که خواننده کتابی را می خواند باید از قهرمانان یا محیط آن کتاب تصویری در ذهن

بسازد.

د) رضایتمندی: یعنی خواننده پس از پایان کتاب از خواندن آن احساس لذت و رضایت داشته باشد.

هـ) آموزش: یک کتاب خوب باید علاوه بر سرگرم کننده بودن، حالت آموزشی داشته و مفاهیم جدیدی را به

خوانندگان منتقل نماید و...

سوال ۳: یکی از داستان های شاهنامه را به شیوه ی نقالی در کلاس اجرا کنید. **به عهده ی دانش آموزان با همکاری دبیر**

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX معنی شعر بخوان و حفظ کن XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

به گیتی به از راستی پیشه نیست / ز کژی بتر هیچ اندیشه نیست

در جهان هیچ کاری بهتر از راستی و درستی نیست و هیچ فکری از دروغ و ناراستی بدتر نیست.

سخن گفتن کژ ز بیچارگی است / به بیچارگان بر، نباید گریست

دروغ گفتن نشانه ی بیچارگی است و برای بیچارگان باید گریه کرد.

هر آن کو که گردد به گردِ دروغ / ستم کاره خوانیمش و بی فروغ

هر کسی که دروغ می گوید ظالم و بی خرد است.

همه راستی کن که از راستی / نیاید به کار اندرون، کاستی

همیشه راست گو باش که از راست گویی هیچ وقت ضرری به انسان نمی‌رسد.

هر آن کس که با تو نگوید دُرست / چنان دان که او دشمن جان توست

هر کسی که به تو دروغ می‌گوید او را دشمن جان خود بدان.

گشاده است بر ما ، در راستی / چه کوبیم خیره، در کاستی

در راست گویی و درست کاری برای ما باز است چرا با لجبازی باید به سمت دروغ گویی و بد کاری پیش برویم؟

مکن دوستی با دروغ آزمای / همان نیز با مرد ناپاک رای

با کسی که دروغ می‌گوید دوستی نکن همان گونه که با انسان‌های ناپاک دوستی نمی‌کنی.